

گروه علوم سیاسی، روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای

علی نظیف پور

رتبه: شایسته تقدیر بخش جوان

تحصیلات: کارشناسی ارشد

عنوان اثر: استنناگرایی و سیاست خارجی ایران

قالب اثر: پایان‌نامه کارشناسی ارشد



درباره پژوهشگر

علی نظیف پور در سال ۱۳۶۷ در تهران به دنیا آمد. وی در ابتدا علائق پژوهشی خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال می‌کرد و در این رشته در سال ۱۳۹۰ از دانشگاه علامه طباطبایی مدرک کارشناسی و در سال ۱۳۹۲ از دانشگاه شهید بهشتی مدرک کارشناسی ارشد دریافت کرد. پایان‌نامه او در دانشگاه شهید بهشتی درباره «مقایسه رمان و بازی‌های کامپیوتری آلیس در سرزمین عجایب» بود و به بررسی مفهوم «اقتباس» در فرآیند انتقال اثر از یک رسانه به رسانه دیگر پرداخت. او با تغییر رشته، به خانواده علوم سیاسی کوچ کرد و در سال ۱۳۹۸ در مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. پایان‌نامه او درباره تأثیر استنناگرایی بر گفتمان‌ها و همچنین رفتار سیاست خارجی در ایران بود که تحت راهنمایی خانم دکتر مشیرزاده به نگارش درآمد. تمرکز پژوهشی نظیف پور، نظریه گفتمان در تحلیل سیاست خارجی و سیاست داخلی آمریکا، به طور مشخص انتخابات در آمریکا، است. او در این زمینه سابقه همکاری با اندیشکده‌های سیاست خارجی در ایران (اندیشکده ایران یوریکا و اندیشکده جریان) و همچنین همکاری با نشریات داخلی را دارد و برای نشریاتی همچون روزنامه سازندگی، روزنامه شرق، مجله چشم‌انداز ایران و... مقالات متعددی نوشته است. وی همچنین به مدت چند سال در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مترجم و کارشناس دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی مشغول به کار بوده است.

چکیده اثر

پایان‌نامه «استنناگرایی و سیاست خارجی ایران» به استنناگرایی و نقش آن در تکوین گفتمان‌های سیاست خارجی ایران می‌پردازد و با روش تحلیل گفتمان نوشته شده است. به طور مشخص هدف این پایان‌نامه از انتخاب نظریه و روش گفتمان آن بود که میزان اهمیت تفکر استنناگرایی را در سیاست خارجی ایران کشف کند. فرهنگ، مذهب و گفتمان سیاسی هر سه می‌تواند بستری برای استنناگرایی باشند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بر بستر فرهنگ ایران شکل گرفته است و این بسترها در شکل‌گیری استنناگرایی موثر بوده‌اند. گفتمان انقلاب اسلامی یک گفتمان منقطع است. در این فضا تفسیرهای متفاوت به وجود می‌آیند و برای تسلط بر گفتمان به رقابت می‌پردازند. اختلاف سیاست خارجی بین رویکرد مقاومت و رویکرد تنش‌زدایی یک اختلاف تاکتیکی و کم‌اهمیت نیست، بلکه بر سر تعریف هویت سیاست خارجی است. رویکرد مقاومت بر دال‌های مقاومت و استقلال حداکثری تأکید دارد و رویکرد تنش‌زدایی بر دال توسعه. هویت ایران از منظر رویکرد مقاومت وابسته به استننا بودن آن است، امری که رویکرد تنش‌زدایی آن را رد می‌کند. بنابراین استنناگرایی اصلی‌ترین و مهم‌ترین گسل هویتی و گفتمانی سیاست خارجی ایران است. در ادامه استدلال شده است که اختلاف بر سر استنناگرایی دلیل اختلاف بر سر بهبود رابطه با آمریکا نیز هست، چون برای رویکرد مقاومت بهبود رابطه با آمریکا تصویر استننایی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد در حالی که رویکرد تنش‌زدایی بهبود رابطه با آمریکا را برای توسعه واجب می‌داند. ثانیاً در زمینه سیاست منطقه‌ای ایران اصلی‌ترین دال مشروعیت‌بخش در رویکرد مقاومت به رفتار منطقه‌ای نیز استنناگرایی است و در واقع جغرافیای خاورمیانه مکانی است که استنناگرایی ایرانی و آمریکایی در آن با یکدیگر روبرو می‌شوند و به رقابت می‌پردازند.

